



«هشدار» به خانواده‌ها

آیا Momo همچون «نهنگ آبی» خطرناک است؟
بهرام رحمانی

به گزارش پلیس و خبرگزاری‌ها، به تازگی یک بازی آنلاین جدید و ترسناک در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده است. خانواده‌ها و کارشناسان بیم آن دارند که این بازی آنلاین پدیده مشابه «نهنگ آبی» باشد و جان نوجوانان را به خطر بیندازد.



متأسفانه سیستم سرمایه‌داری و تولید آن در غیاب جنبش‌های قوی انسان‌دوستانه و برابری‌طلبانه نه بر اساس نیازهای واقعی انسان، بلکه بر اساس کسب سود بیشتر برای

کارفرمایان و صاحبان سرمایه و صنایع تولید و توزیع می‌شوند. اگر این تولیدات زندگی انسان و محیط زیست آن و حتی سلامتی کودکان را به خطر بیندازند کمترین اهمیتی برای آن‌ها و دولت‌های حامی و حافظ سرمایه ندارد. یکی از این عرصه‌ها مربوط به تولید فیلم‌ها، بازی‌ها و اسباب بازی‌های کودکان است. بازی خطرناک مومو که به تازگی به شهرت رسیده است، یک ماجرای ترسناک و خطرناک بوده که منجر به ایجاد ترس، دلهره، تهدید و صدمات روحی به نوجوانان و کودکان می‌شود. کارشناسان خطرات مومو را در سطح خطر نهنگ آبی دانسته و از این‌رو، به خانواده‌ها هشدار می‌دهند که مراقب فعالیت‌های کودکان خود در فضای مجازی باشند تا گرفتار این‌گونه بازی‌های هولناک نشوند. این بازی در محیط واتس‌آپ در حال رشد و فعالیت بوده و همچون بازی نهنگ آبی نیازی به نصب برنامه‌های جداگانه ندارد.

امروز اغلب کودکان دسترسی به این نوع بازی‌ها دارند در نتیجه ضرورت دارد خانواده‌هایی که کودک و نوجوان دارند با جدیت به این هشدارها توجه کنند تا احتمالاً فرزندان شان و خودشان دچار مصیبت نشوند. چرا که این بازی برای کودکان و نوجوانان بسیار خطرناک است. مومو یک اکانت در محیط فیس‌بوک است که به تازگی در واتس‌آپ نیز در حال فعالیت است. تصویر پروفایل این اکانت بسیار ترسناک طراحی شده است که تصویری از یک مجسمه در نمایشگاه توکیو (ژاپن) است. این بازی به محض این‌که کاربر به آن پیام دهد آغاز شد و ممکن است تا مدت‌ها روی کاربر تأثیرات منفی بگذارد.

کاربر می‌تواند با جستجوی عبارت Momo در واتس‌آپ، به این حساب کاربری دسترسی پیدا کند و پس از آن با ارسال یک پیام، به گفتگو با مومو بپردازد. پس از این‌که گفتگو آغاز شد، حال مومو اطلاعات کاربری شما را در اختیار خود دارد و می‌تواند حتی بدون این‌که شما خواسته باشید، برایتان پیام‌های مختلف که عمدتاً حاوی ویدیوها، تصاویر و متون ترسناک و تهدیدآمیز است، ارسال کند. شما نمی‌توانید پایانی برای این پیام‌ها در نظر بگیرید و مومو تا هر زمانی که بخواهد می‌تواند به شما پیام ارسال کند. حتی در زمانی که شما اپلیکیشن واتس‌آپ خود را پاک کنید و یا به‌طور کلی حذف اکانت داشته باشید نیز، همچنان مومو به ارسال پیامک و یا تماس با شما خواهد پرداخت. چرا که از طریق ایجاد ارتباط واتس‌آپ، توانسته به شماره تلفن شما دست پیدا کند.

واقعا خطرات مومو چیست؟ اگر ناخواسته خود یا فرزندمان در این بازی شرکت کرده است، برای مقابله با آن چه راهکارهایی توصیه شده است؟ قبل از هر چیز باید بدانید که واتس‌آپ یک اپلیکیشن کاملاً رمزنگاری شده است و اکانت‌ها می‌توانند در آن به صورت ناشناس ثبت شوند. این بدان معنی است که والدین و حتی پلیس باید برای شناسایی و تعقیب اکانت‌ها، زمان زیادی را صرف کنند.

ادامه در ص 7

ملایان

اسد رخساریان



من در این برزخ اندیشه و غم
چه کنم دوزخ ملایان را؟
من نخواهم به بهشت ام ببرند
چه کنم درد مسلمانان را؟

این پدرسوخته‌ها می‌سوزند
بر در خانه‌ی من قرآن را
به غم و خون دل آغشته کنند
بر سر سفره‌ی ملت نان را

من از این واقعه گنج و ویج
چه دم شرح چنین دستان را
سینه‌چاکان به یک الله‌اکبر
می‌رمانند ز خود شیطان را

می‌خورشند پی یک لبخند
می‌درانند دگر انسان را
یک صلوات کذا یعنی مرگ
دگراندیش و دگرباشان را

این چنین است که شه‌شیخ شریف
متحد کرده همه دزدان را
داده به غزه و لبنان و یمن
نفت سرتاسر خوزستان را

هدیه داده به ددان و دیوان
طبرستان و دگر گیلان را
مسند و پول کلان بخشیده
هر عیابوشی و هر حیوان را

غقه‌های دم زند از خوف و خطر
روز و شب امت سرگردان را
به‌نهیبی سر جا بنشانند
مجلسی‌ها و رجزخوانان را

تیشه بر ریشه‌ی خود می‌زند او
مزدگانی در قفس شیران را
این ندایی‌ست که برخاسته است!

بگشایید در زندان را
ملتی گشته ز تو زار، ای شیخ!
کراوات و کت و شلوار، ای شیخ!

بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

گسترش اعتراض و اعتصاب در ایران در مقابل

گرانی و فقر و سرکوب دولتی!

امروز جمعه ششم مهر 1397 - بیست و هشتم سپتامبر 2018، اعتصاب سراسری کامیون‌داران در شهرهای ایران، همچنان ادامه دارد.

اکنون بحران اقتصادی ایران، برای هیچ‌کس قابل انکار نیست. در کشوری که در طول چند ساعت دلار از 15 و 16 هزار تومان به 18 و 19 هزار تومان می‌رسد؛ به همان نسبت نیز ارزش پولی ریال سقوط می‌کند و قدرت خرید مردم نیز به شدت پایین می‌آید. در این چند ماه گذشته، قیمت بسیاری از کالاهای ضروری مردم گران‌تر شده است در حالی که دستمزدهای ناچیز در همان سطح باقی مانده است. به گفته مسنولین در روزهای اخیر سبب زمینی 44 درصد افزایش یافته و گوجه فرنگی کمیاب شده است. این وضعیت زنگ خطر سونامی گرانی، فقر و بیکاری وسیع را برای اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران به صدا درآمده است.

اما طبقه کارگر و مردم آزاده، هرگز مرعوب این فضای رعب و وحشت حکومت اسلامی نشده و هم‌اکنون مجموعه‌ای از اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در سراسر ایران در جریان است.

اعتصاب کامیون‌داران در بیش از 30 استان کشور در روز جمعه ششم مهر ماه، از جمله در شهرهای سبزوار، یزد، دیواندره، نجف آباد، تهران، اصفهان، نیشابور، قزوین، کرمانشاه، اردبیل، اهواز، شوش، زنجان، زرین‌شهر، تبریز و سیرجان ادامه دارد. دور جدید اعتصاب کامیون‌داران از شنبه 31 شهریور، شروع شده است.

منابع خبری از بازداشت حدود یکصد نفر خبر داده‌اند، سایت‌های خبری رسمی وابسته به حکومت ایران نیز این بازداشت‌ها را تایید کرده‌اند. خبرگزاری ایسنا، از بازداشت حدود 20 کامیون‌دار معترض در استان البرز خبر داد. از سوی دیگر، در استان قزوین حدود 25 نفر دستگیر شدند. در همین رابطه، خبرآنلاین از بازداشت حدود 20 نفر در استان فارس خبر داده است.

رئیس کل دادگستری اصفهان، ادعا کرد: 13 نفر که اقدام به‌تعرض، توقف و وارد آوردن آسیب به کامیون‌های حمل سوخت و بار در حال تردد در راه‌های مواصلاتی اصفهان می‌کردند، بازداشت شدند.

همچنین دادستان استان البرز نیز اعلام کرد در کرج 8 تن دستگیر شده‌اند. هم‌زمان دادستانی اردبیل نیز خبر از دستگیری 8 تن داده است.

نیروی انتظامی حکومت اسلامی، بی‌شرمانه و وقیحانه بازداشت‌شدگان را «ارادل و اوباش» و «مخلان نظم» نامید که به کامیون‌ها حمله می‌کنند. رسانه‌های حکومتی نیز از «تحریکات مشکوک گروهی برای جلوگیری از تردد کامیون‌ها در جاده‌ها»، نوشته‌اند تا زمینه‌ها برای برخورد شدیدتر با اعتصاب رانندگان کامیون آماده شود. با گسترش مبارزات رانندگان کامیون موجی از همبستگی با این اعتراضات به راه افتاده است. از جمله شب پنجم مهرماه فاصله ساعت 9 تا 11 شب طوفان تویتری در حمایت از اعتصابات رانندگان کامیون به جریان افتاده است. همچنین ناوگان مسافربری خوزستان در حمایت از اعتصاب سراسری رانندگان ناوگان دست به اعتصاب زدند و کلیه سرویس‌های خود به‌دیگر استان‌ها را لغو کردند. شرکت‌های مسافربری ایران‌پنما، همسفر، تی‌بی‌تی، رویال سفر و... مستقر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، ایذه و دیگر شهرهای استان خوزستان نیز روز چهارم مهرماه در حمایت از اعتصاب رانندگان کامیون غرقه‌های فروش بلیط را تعطیل و سرویس‌های خود را لغو کردند.

رانندگان کامیون و کامیون‌داران خواست‌های خود را در 17 بند توضیح داده و محورهای اصلی اعتراضات‌شان را اعتراض به گرانی، بیکاری، نداشتن امنیت شغلی، دزدی و چپاول، حقوق‌های ناچیز و تعویق در پرداخت حقوق‌ها، و نداشتن حق ایجاد تشکل و وعده‌های پوچ و توخالی مقامات مسئول اعلام کرده‌اند. رانندگان اعتراضی همچنین خواهان افزایش دستمزد رانندگان، افزایش کرایه کامیون، افزایش مستمری بازنشستگی رانندگان، ارتقاء سطح امنیت در جاده‌ها، نوسازی تشکلهای صنفی رانندگان و کامیون‌داران از طریق انتخابات آزاد، ایجاد تسهیلات رفاهی و بهداشتی برای رانندگان در پایانه‌های شهری و مرزی هستند. و این‌ها همه محور اعتراضات کل جامعه علیه حکومت اسلامی است. رانندگان کامیون خواستار پایان دادن به این همه ظلم و تاپرابری در جامعه شده‌اند.

اما اعتراض و اعتصاب در ایران محدود به رانندگان و کامیون‌داران محدود نبوده و دامنه گسترده‌تری دارد از جمله حدود 80 نفر از کارکنان دفاتر سهام عدالت که تحت مدیریت سازمان خصوصی‌سازی در دفاتر استانی کشور فعالیت دارند، از روز یکشنبه یکم مهر ماه تاکنون در اعتراض به مشخص نبودن وضعیت شغلی و دریافت نکردن حقوق طی 42 ماه گذشته دست از کار کشیده و به تهران سفر کرده‌اند. معترضان با وجود این‌که طی روزهای گذشته، شب‌ها را در خیابان سپری کرده‌اند، پایان اعتراض خود را به دریافت موقت مزایای شان منوط کرده‌اند.

353 دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت حدود 1500 نفر مشغول کارند که جدا از مطالبات مزای دیگر اعتراض آن‌ها، مربوط به پرداخت نشدن حق بیمه به‌سازمان تامین اجتماعی است که مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران «تولی‌پرس» و «بسته‌بندی البرز» در این دو کارخانه در شهرک صنعتی البرز قزوین؛ به‌گزارش خبرگزاری ایسنا، تجمع‌کنندگان دو کارخانه «تولی‌پرس» و «بسته‌بندی البرز» که شمار آن‌ها حدود 400 تن برآورد می‌شد، در اعتراض به افزایش تعطیلی‌های مکرر این دو واحد، از روز شنبه اعتصاب و تجمع کردند.

کارفرما از روز 27 مرداد، با اعلام تعطیلی موقت کارخانه به‌مدت دو هفته، بیش از 400 کارگر این دو واحد تولیدی را به‌مرخصی اجباری فرستاده و تاکنون این تعطیلات به‌بهانه‌های مختلف ادامه یافته است.

باغداران، چاه‌داران و کشاورزان شرق اصفهان، حوضه آبریز زاینده‌رود در اعتراض به اجرائی نشدن وعده‌های مسنولان مبنی بر جاری شدن آب رودخانه زاینده‌رود در فصل پاییز و رعایت نشدن حق آب‌هایشان، دست به‌تجمع و اعتراض زدند. این نخستین بار نیست که کشاورزان اصفهان دست به‌اعتراض می‌زنند. دور اخیر اعتراضات کشاورزان اصفهانی از اواسط اسفند 96 آغاز شد. از آن زمان شماری از کشاورزان اصفهانی بارها در اعتراض به خشک‌سالی و عدم دریافت حق آب‌هایشان راهپیمایی کردند.

350 هزار نفر در شرق استان اصفهان از طریق کشاورزی گذران می‌کنند. انتقال 400 میلیون متر مکعب آب از حق‌آبه استان اصفهان به یزد، زندگی آن‌ها را به‌خطر انداخته است.

شش تن که در تجمع معلمان در 20 اردیبهشت امسال بازداشت شده بودند، از سوی شعبه 1060 دادگاه کیفری هر یک به‌تعمیل 9 ماه حبس تعزیری و پرداخت 50 هزار تومان جریمه نقدی بدل از 74 ضربه شلاق محکوم شدند. بر اساس این گزارش که دوشنبه دوم مهر منتشر شد، محکوم‌شدگان، عالی‌اقدام‌دوست، عضو اتحادیه بازنشستگان، رسول بدایی، بازرس سابق کانون صنفی معلمان تهران، اسماعیل گرمی، جواد ذوالنوری، حسین غلامی و محمد عابدی هستند.

اتهام این معلمان، اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی و تمرد نسبت به مامورین حین انجام وظیفه، عنوان شده است.

ادامه در ص 7

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

*بهرام رحمانی
امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

*اهون چیاکو
امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشویست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دموکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکلهای توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

«آیا خودمدریتی دموکراتیک و شورایی

در ایران امکان پذیر است؟»

متن سخنرانی بسیی شاماری در اسلو - 26 اوت 2018

قسمت دوم و پایانی
چندانکه در جهت شناسایی اهداف و سیاست‌هایمان، چندین کنفرانس برگزار کرده، ده‌ها گفتگوی رادیو و تلویزیونی انجام داده‌ایم. نشریه کمون، ارگان پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، هر دو هفته منتشر می‌شود و تاکنون 13 شماره آن منتشر شده است. همچنین ما با انتشار بیانات و اطلاعیه‌هایی بر علیه حکومت اسلامی ایران، از اعتراضات کارگران، زنان، دانشجویان و خلق‌های ایران حمایت و پشتیبانی می‌کنیم. به‌علاوه به‌زودی سایت رسمی پلاتفرم فعالیت خود را به زبان‌های انگلیسی، کردی، ترکی و فارسی آغاز خواهد کرد. در واقع ما فعالیت‌هایمان را هم‌زمان در دو عرصه نظری و عملی پیش می‌بریم. در این راستا، بیش‌ترین تلاش ما معطوف به داخل ایران است. خطاب عمده ما در جامعه ایران، به جنبش‌ها و خلق‌های تحت ستم، به‌خصوص نیروهای جوان است. ما یک جامعه دموکراتیک و شورایی بدون «دولت - ملت» را تبلیغ و ترویج می‌کنیم و هر جا هم امکان دارد به شکل‌گیری شوراهای و مجالس عمومی و دیگر نهادهای دموکراتیک فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنیم.

در خارج کشور هم تلاش می‌کنیم شوراهای هماهنگی در کشورها و شهرها مختلف به وجود آوریم. نهایتاً تا اواخر امسال و یا در ماه‌های آینده سال 2019، کنفرانس پلاتفرم را برگزار خواهیم کرد. به‌علاوه، ما اعلام کرده‌ایم که حاضرم با همه نیروهای ضدکاپیتالیست، برابری طلب، فمینیست، آنترکسیست، اکولوژیست، سوسیالیست و کمونیست علیه حکومت اسلامی ایران با هدف سرنگونی کلیت آن همکاری کنیم. عضویت در پلاتفرم به افراد محدود نبوده و سازمان‌ها و احزاب چپ و آزادی‌خواه و نهادهای دموکراتیک علاقه‌مند نیز می‌توانند عضو آن شوند. همان‌طور که گفتیم فعالیت ما شبکه‌ای و شورایی است و عضویت افراد و نهادهای و سازمان‌ها و احزاب ضد مدنیته سرمایه‌داری را در برمی‌گیرد.

روشن است که برای ساختن یک جامعه واقعا آزاد، دموکراتیک و رهایی از استثمار و بردگی مزدی، اتحاد و مبارزه مشترک همه این نیروهای که اشاره کردم امری ضروری است. به‌طور کلی، ما از دو مرحله متفاوت گذار خواهیم کرد: 1- سرنگونی حکومت اسلامی ایران. 2- دوران نوین پسا حکومت اسلامی. مرحله کنونی که مرحله سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران است همان‌طور که اشاره شد ما در این دوره آماده‌ایم با همه نیروهای چپ و برابری طلب و آزادی‌خواه و انقلابی همکاری کنیم و هیچ مانعی نه در مقابل خود نمی‌بینیم و نه شرطی و مانعی در مقابل دوستان خود قرار می‌دهیم. علاوه بر این، ما در این مرحله، خودمدریتی دموکراتیک شورایی را نیز تبلیغ و ترویج می‌کنیم.

مرحله دوم، پس از سرنگونی حکومت اسلامی است که در این دوره نیز ما در مقابل سیاست‌های دولت‌گرا و ملت‌گرا، همچنان بر تاسیس کنفدرالیسم دموکراتیک با رد محکم دولت - ملت، تاکید خواهیم ورزید. در زندگی و فعالیت کمونال، با وجود تفاوت‌ها، تاکید ما بر وحدت‌طلبی و همبستگی و زندگی طبیعی است. اساساً یک وجه مهم جوهر یک جامعه دموکراتیک، علیه بر کنورت‌ها، مناقشه‌ها و کشمکش‌های تاریخی بین خلق‌های مختلف ایران و حتی منطقه و جهان است. شرط ساختن یک جامعه واقعا دموکراتیک و سوسیالیستی، برخورداری از یک ریشه مشترک متکی بر صفت، ملیت، جنسیت، رنگ و یا پیوند خونی نیست، بلکه مورد اساسی اجین شدن رابطه انسان با طبیعت و جامعه است.

مدل کنفدرالیسم دموکراتیک و یا خودمدریتی دموکراتیک شورایی، تلاش می‌کند روحیه همبستگی و فعالیت جمعی برابری‌طلبانه را در جامعه رشد و رواج دهد. جنبش ما جهت چاره‌یابی مسائل سیاسی - اجتماعی برای پسا حکومت اسلامی، تاسیس کنفدرالیسم

دموکراتیک در سراسر جامعه ایران را مینا قرار داده است. از این‌رو، تلاش ما بر این است که توجه جنبش‌ها و خلق‌های ایران را به این مدل سیاسی جلب کنیم. ما بر تاسیس شوراهای، آکادمی‌ها، کمون‌ها، مجالس خلق، تعاونی‌ها و سازمان‌دهی دفاع عمومی تاکید داریم. چرا که برای پایان دادن به خودبیگانگی انسان‌ها در جامعه، باید زمینه فعالیت مشترک آن‌ها را فراهم کرد. افق و چشم انداز روشن و ملموسی در برابر جامعه قرار داد. برای مثال، اگر قرار است در آینده، دولت و ملت خودی ساخته شود با این اهداف و جهت‌گیری‌هایی که ما اشاره کردیم مغایر است. اما اگر قرار است جامعه پس از حکومت اسلامی از فلسفه «دولت - ملت» خودی عبور کند باید راه‌حل و اهداف اداره جامعه را در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع عمومی، دیپلماسی و غیره شفافیت بخشد. به این دلیل نیز موضوع سازنده و شکل‌دهی به‌ذهنیت حیات اجتماعی، باید به‌دور از هرگونه تفکر دولت‌گرایی و ملی‌گرایی باشد. بدون فعالیت و تلاش کافی در این خصوص، عبور از مسائل و موانع و برپایی یک جامعه دموکراتیک سخت و دشوار است.

جوهر کنفدرالیسم دموکراتیک، این است که راه و روش آزاد اندیشیدن، آزاد شدن و آزادریستن را به جامعه نشان دهد. در این چارچوب نیز متحول ساختن سازمان‌یابی و شخصیتی شهروندان، از بنیادی‌ترین اهداف فعالیت‌های ماست. بدون این تحولات سازمانی و ذهنی مهم، ساختن جامعه آزاد و خودمدریت، و همچنین ایفای نقش در این راستا ممکن نیست.

ضرورت دارد که گرایش‌های جدی دموکراتیک و سوسیالیستی و انقلابی، برای ارتقا سطح مشارکت و زندگی کمونالیسم و جمعی در روند ساختن یک جامعه واقعا آزاد و خودگردان، تمام سعی و کوشش خود را به کار گیرند. به‌عبارتی دیگر، ارتقا آگاهی و شخصیت دادن به شهروندان در سطوح بالایی نیاز دارد که در مبارزه تاریخی برای آزادی و رهایی از بردگی پیش روی ما قرار دارد.

توضیح: قسمت دوم این سخنرانی در شماره بعدی کمون منتشر خواهد شد.
منظور از کنفدرالیسم دموکراتیک، کنفدرالیسم جامعه است. یعنی کنفدرالیسم، به‌معنای مردم آزاد و دموکرات است. مردم آزاد نیز به‌معنای ساختار جامعه‌ای است که خارج از محدوده دولت قرار گرفته است.

در کنفدرالیسم دموکراتیک، دموکراسی مستقیم است نه دموکراسی رایج و نیابتی موجود در جامعه سرمایه‌داری. به علاوه این کنفدرالیسم، نه توسط دولت، بلکه توسط مردم آزادی‌خواه و برابری طلب مخالف هرگونه تبعیض و نابرابری ملی، جنسی و کاپیتالیستی ساخته می‌شود. نیروهایی که به تاسیس جامعه کنفدرال مبادرت می‌ورزند، در واقع پایه‌های مدیریت خویش را در مبارزه پیگیر با ستم ملی و استثمار مستحکم می‌کنند.

در این اندیشه، شهروندان در هر مکانی، سازمان‌های متعدد خود را به وجود می‌آورند و این سازمان‌ها نیز از طریق کنفدرالیسم دموکراتیک خود را به یکدیگر مرتبط می‌سازند. کنفدرالیسم دموکراتیک به‌معنای سیستم سازمان‌های اجتماعی است. موسسات اجتماعی می‌توانند در کنفدرالیسم دموکراتیک جای گرفته و به بیان مطالبات خود بپردازند.

این نوع از ارتباطات، آزادی را در خود و در جامعه بازتولید می‌کند. ارتباطات وسیع انسانی و برابر و داوطلبانه را در بطن خویش می‌پروراند. دموکراسی مستقیم خارج از محدوده دولت را در جامعه رشد می‌دهد. در کنفدرالیسم دموکراتیک، تمامی اقشار جامعه، یعنی زنان، جوانان، کارگران و حتی اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز با تفاوت‌های اجتماعی‌شان دخالت مستقیم دارند.

این جامعه نه به رقابت و تجزیه درونی، بلکه به اتحاد و همبستگی می‌اندیشد. در این راه، شرط اساسی زندگی اجتماعی و حفظ حرمت و موجودیت انسان در فضای آزاد، برابر و دموکراتیک است. اجزای کنفدرالیسم دموکراتیک، به مثابه بخش یا جزئی از جامعه طبیعی دارای جایگاه و احترام خود هستند. اجزای جامعه‌ای که نه به صورت سلسله مراتب کاپیتالیستی، بلکه به موازات هم و در کنار یکدیگر و دست در دست هم حرکت می‌کنند. یعنی انسان‌ها بر اساس موازین آزاد و برابر و آگاهانه با یکدیگر متحد می‌شوند.

در کنفدرالیسم دموکراتیک هر جزء، بخش و سازمان ابتکار عمل مستقیم دارد. برای این‌که این اجزا بتوانند ساختار جامعه‌ای نیرومند را بنا نهند، بایستی همه اجزاء و عناصر آن متحد گردند. برای این‌که متحد شوند نیز به هماهنگی نیاز دارند.

شوراهای، مجالس مردمی، کمیته‌ها، واحدها و سازمان‌های مختلف ابتکار عمل خود را دارند. ما این سیستم را در هر شرایطی، در مقابل جامعه قرار می‌دهیم و آن را تعطیل نمی‌کنیم.

در تاریخ دیده‌ایم که کارگران و خلق‌های محروم و اقشار ستمدیده با جانفشانی‌های زیادی با انقلاب خود سیستم دولت را سرنگون کرده‌اند، اما نهایت دولت دیگری را به قدرت رسانده‌اند. این چرخه تاکنون همچنان از سوی نیروهای ضدسرمایه‌داری و انقلابیون تکرار شده است.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، به این دلیل تاسیس شده است که از قدرت‌طلبی‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها و آسیب دیدن اتحاد و همبستگی طبقاتی و انسانی جلوگیری کند. باید فضای به وجود آورد تا افراد و نهادهای و نیروهای آزادی‌خواه و برابری طلب و عدالت‌جو مبارز بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌هایشان را پیدا کنند؛ همه به فکر خروج از وضع موجود باشند؛ همه به آفرینش بپردازند، همه از آزادی اندیشه و قلم و تشکل برخوردار گردند تا بر این اساس، انرژی نیروهای اجتماعی به‌طوری آزاد شود که امکان رشد و گسترش کافی داشته باشند. انسان‌ها، باید ارگان‌ها و نهادهای دل‌خواه خود را به وجود آورند و میدان عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آزادانه ای پیدا کنند. چنین انسان‌هایی هرگز زیر بار زور و قدرت نمی‌روند و خواهان دخالت مستقیم در مدیریت و اداره جامعه خویش می‌شوند.

در مدل سیاسی کنفدرال، علاقه توده‌ها به سیاست و سایر امور جامعه، افزایش می‌یابد و به خودبیگانگی و سیاست‌گریزی پایان داده می‌شود. از این‌رو، کنفدرالیسم دموکراتیک سیستمی است که راه را برای مشارکت عموم جامعه هموار می‌سازد. کنفدرالیسم دموکراتیک، مستقیماً جامعه و فرد را تشویق می‌کند که تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل خود را در رفع مشکلات جامعه به کار اندازند. بدین صورت، محیطی ثمربخش و پرنشاط برای سیاست و سازمان‌دهی ایجاد می‌کند.

هر واحدی که در سازمان‌دهی کمونالیسم جای می‌گیرد استقلال خود را داراست. چرا که مستقیماً مسئول سازمان‌دهی مناطق خود است. هر واحد، سازمان‌دهی خود را در میان کارگران، زنان، جوانان، اندیشه‌ورزان و دیگر اقشار اجتماعی دارد. سازمان‌دهی خود می‌تواند این واحدها را به قدرت بسیار تاثیرگذاری ارتقا دهند. این واحدها، نقش دموکراتیزه‌کردن جامعه را ایفا کرده و نیز دموکراسی را غنی کرده، تعمیق داده و همه بخش‌ها را سازمان‌دهی می‌کند. روشن است که بدون مشارکت عمومی و در جامعه‌ای از خود بیگانه دموکراسی، آزادی و سوسیالیسم تحقق نمی‌یابد.

اساساً یک وجه مهم هر انقلابی، تغییری است که در وضعیت اجتماعی زنان ایجاد می‌کند. احتمالاً یکی از دقیق‌ترین معیارهای سنجش مترقی بودن جنبش و یک نماد دموکراتیک بودن یک انقلاب، رشد آگاهی اجتماعی زنان و تغییر شرایط زیستی آنان به‌سوی بهتر شدن است.

این‌که زنان، به‌طور عملی دوشادوش مردان در فرایند انقلابی شرکت کنند، البته در جای خود نمود رشد دموکراتیک آن جنبش مفروض است، اما در

ادامه در ص 5



مقاله ازدواج مدرنیته سرمایه‌داری

1- تا پیش از اختراع ماشین چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ در سال 1440، انجیل در نسخ دست نویس بسیار اندک و به زبان یونانی منتشر خارج از دسترس مردم اروپا بود. کلیسا، مظهر اراده خدا در روی زمین، بنا به منافع و مصلحت‌اش از انجیل سخن می‌گفت و تعبیر و تفسیرش می‌کرد. اختراع ماشین چاپ و ترجمه‌اش به زبان‌های دیگر به‌انحصار گفتمان انجیل از سوی کلیسا پایان داد. مارتین لوتر کشیش آلمانی انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. در سال 1517، مارتین لوتر یک اطلاعیه حاوی 95 تیر در توضیح عقو گناهان افراد متمول، در ازای پرداخت پول از سوی پاپ صادر شده بود را با میخ بر روی درب کلیسای ویتنبرگ در آلمان کوبید، و آغازگر انشعاب در کلیسا و پدید آمدن گرایش اصلاح‌طلبی، Reformation، پرتستان گردید.

نیت کشیش مارتین لوتر برای اصلاح دین مسیحیت، هم به‌منفع جنین سرمایه‌داری شد و هم مردمانی به‌لطف ماشین چاپ به‌ممتن انجیل دسترسی یافتند و با خواندن تناقضات انجیل مسیحیت را زیر سوال بردند. یک وجه مهم شک در دین مسیحیت تأثیرش در زمینه سکس پیش از ازدواج دختر و پسر و آغاز زندگی مشترک بین دو جنس برون از دایره دخالت کلیسا بروز نمود.

در قرون وسطی، نیاز نبود که زن و مرد، عاشق و معشوق، در کلیسا ازدواج کنند. برابر با اسناد ثبت شده دختر و پسر در راه داخل میخانه، پاپ، در منزل دوست، حتی داخل رختخواب با همدیگر ازدواج می‌کردند. تنها شرط ازدواج دوستی و رضایت دو طرف بود. در پیامد انشعاب در مذهب مسیحیت، در زمان ملکه الیزابت اول، ملکه انگلستان، در قرن شانزدهم، تقریباً یک سوم عروس‌ها در موقع مراسم ازدواج حامله بودند. (3) سخن کوتاه، هم‌خواهی شدن دختر و پسر پیش از ازدواج برجسب واژه مذهبی زنا نداشت، بلکه امری عادی تلقی می‌شد.

اما، با قوام گرفتن مدرنیته سرمایه‌داری ورق برگشت. قرن هیجدهم عصر شتاب‌آور خصوصی کردن زمین و بدن زنان گردید. در مورد اول، اراضی اشتراکی، یا عمومی، که قرن‌ها دهقانان برای چرا از آن‌ها استفاده می‌کردند، دورشان حصار کشیده شد، و به‌تملك ملاکین بزرگ درآمد. این فرایند به‌طور قانونی به‌مورد اجرا گذاشته شد. بین سال‌های 1740 تا اوایل قرن نوزدهم تعداد 1060 لایحه حصارکشی دور زمین‌های عمومی، اشتراکی، به‌تصویب پارلمان رسید. (4) عواقب این فرایند موضوع مطلب جاری نیست. گرچه، تاریخ‌دانان به‌فرایند حصارکشی زمین‌های اشتراکی، عمومی، پرداخته‌اند. ولی، کمتر به‌محدود کردن بدن زنان در قرن هیجدهم عطف توجه کرده‌اند. البته از تاریخ‌دانان لیبرال انتظار دیگری نمی‌شد داشت.

«تأثیرات محصور کردن بدن زنان هدفش تقسیم زنان به‌دو قشر بود: زنان ازدواج کرده کاملاً به‌تملك یا کنیز مرد سقوط کردند و زنی که هنوز ازدواج نکرده و یا شوهرش او را ترک کرده بود، اکنون به‌یک مرد یا برده دار تعلق نداشت، بلکه در معرض چاله ملک، دارانی، همگانی مردان می‌افتاد.

قطعه قانونی که به‌همان سفتی و سختی حصارکشی زمین‌ها بدن نسوان را حصر کرد لایحه ازدواج سال 1753، بود، که از طرف لرد هارودیوک به پارلمان تقدیم شد: مطابق نص صریح این قانون محض هستی یا وجود قانونی زن با ازدواج به‌حالت تعلیق در می‌آید، و یا حد اقل وجود زن در وجود مرد ادغام می‌شد.» (5)

«ارتباط بین تصاحب زمین‌های عمومی، اشتراکی و تصاحب زنان به‌عنوان ملک شخصی مرد تصادفی نبود. درست به‌همان نحو که «زمین‌دار- سرمایه‌دار» خواستند زمین‌های گسترده‌ای را به‌چنگ آورند، آن‌ها بر این شدند تا پسران حقیقی (حلال‌زاده!) وارث دارانی‌شان گردند. در آن زمان سرمایه‌داران آزمایش خون برای اثبات پدر واقعی فرزند را حتی در خواب هم ندیده بودند، و کسی نمی‌دانست دی‌ان‌ان (DNN) چیست. پس، راهحل سرمایه‌داران چه بود؟ آن‌ها دقیق‌ترین شیوه کنترل بدن زن را ابداع کردند. سرمایه‌داران این ترغیب را بن غیرقانونی کردن تمام گونه‌های ازدواج مرسوم آن زمان، به‌جز یک نوع ازدواج رسمی و دائمی (در کلیسا و با

گزارشی که البته بعدن پاک شد، گزارش در مورد گسترده‌ی فساد در شهرهای مذهبی ایران و دایر شدن مراکز صیغه برای زائران خارجی در مشهد، موجی از نارضایتی محلی ایجاد کرده است. در این گزارش، گفته شده بود که زائران عراقی به‌بهانه زیارت، به‌مشهد از اماکن مقدس شیعیان می‌آیند و در هتل‌ها خدمات جنسی هم دریافت می‌کنند. این اقدام عمدتاً توسط دل‌های انجام می‌شود که با مراکز ازدواج موقت یا صیغه در ارتباط هستند. هرچند برخی از مسئولان ایران گسترده‌ی فساد در مشهد و شهرهای مذهبی دیگر را رد کردند، اما سیداحمد علم الهدی امام جمعه مشهد و نماینده ویژه علی خامنه‌ای در خراسان این موضوع را کتمان نکرد.» (خبرگزاری فرات، یک‌شنبه 12 شهریور 1397)

تحلیل اجباری حجاب به زنان هجوم حساب شده رژیم دیکتاتوری در حال تکوین به‌جبهه ضعیف از جامعه برون‌آمده از اختناق دیکتاتوری رژیم شاه بود. رژیم در اعمال زورمند حجاب اسلامی، سنت دیرینه مردسالاری بازمانده از رژیم دیکتاتوری پیشین را بیش از پیش ساختاری کرد. این طرح شوم و غیرانسانی حامیان وسیع اجتماعی از طیف راست تا چپ و عامه مردم، زن و مرد را مستقیم یا غیرمستقیم در کنار رژیم نوپای اختناق مذهبی گذاشت. وقتی خمینی مرتجع گفت زنان پوشش اسلامی داشته باشند، حزب توده و سازمان مجاهدین خلق به‌کنار، ناسلامتی از یک دوجین گرایشات گوناگون چپ و توده کارگران صدای حمایت و پشتیبانی از حق پوشش زنان شنیده نشد. تنها پیشروان زنان اقدام به‌تظاهرات کردند و دانش‌آموزان شجاع مدارس چند با تعطیل کردن مدارس به‌صفت تظاهرات زنان پیوستند. گرایشی از چپ با زدن انگ بورژوا به‌زنان تظاهرکننده در ظرفیت‌شان جاده صافکن تحلیل پوشش ارتجاعی اسلامی به‌زنان شدند. در این مصاف نابرابر حق انتخاب دموکراتیک پوشش زنان شکست خورد. اما، این شکست زنان در یک نبرد بود و نه شکست نهایی و تمکین زنان به‌شرعیات تحمیلی رژیم مردسالار ارتجاعی و سرکوبگر مذهب شیعه.

برابر با نظر سنجی وزارت کشور 84 درصد معترضین دی‌ماه سال 1396 زیر سنین 35 سال بودند. اینان نسل شجاع و بی‌پاک جوانان دختر و پسرمتولدین دهه 1370، و آغازگر انقلاب سکسی در ایران و تابوشکنان سنت‌های ارتجاعی و سالوساته ایدئولوژی مذهب شیعه علیه زن و رابطه جنسی هستند. در رژیم دیکتاتوری پیشین دختران کمی نبودند که با رسیدن به‌سن نیاز جنسی با دوست پسرش می‌خوابید. این کنش زیباترین و طبیعی‌ترین عشق و بی‌واسطه هیچ شرط و انجام مراسمی بین دختر و پسر را تجلی می‌داد. ولی، زمانی بعد، برای خاطر ازدواج فردا و داشتن جواز بکارت دست نخورده، دختر مجبور از عمل جراحی و ترمیم پرده بکارت می‌شد. این نیز گفتنی است که اگر مردها بکارت داشتند پیش از ازدواج ده‌ها بار بکارت‌شان پاره شده بود. بی‌گمان تحت تأثیر انقلاب سکس دهه 1960 معادل دهه 1340، برای پیش زمینه‌سازی یک زندگی مشترک تفاهم‌آمیز بین دو زوج، دکتر خواجه نوری جامعه‌شناس پیشنهاد کرده بود جوانان دختر و پسر با هدف سامان دادن زندگی مشترک، به‌طور موقت برای مدت 6 ماه باهم زندگی کنند. ولی، توصیه دکتر خواجه نوری درفضای مسموم مردسالاری و سایه سیاه مذهب گوش شنوایی پیدا نکرد.

امروز، شمار دختران و پسران آغازگر زندگی مشترک بدون اجرای مراسم مسخره‌آمیز ازدواج سرمایه‌داری آن‌چنان زیادند که رژیم مصلحت دیده است چشم‌اش را به‌این پدیده ببندد. نسل انقلاب جنسی متولد دهه 1370، پرورش یافتگان ادبیات فمینیست‌های انقلاب سکس دهه 1960 غرب و نسل پدیدار شدن فضای مجازی اینترنت که دیوار سانسور ارتباطات فرهنگی رژیم اختناق و سرکوب را در نور دیده است. دهه 1960 دوران پر جوش و خروشی بود. دهه 1960، ظهور انقلاب سکس بود. در این زمان بود که تابوهای جنسی در غرب به‌چالش کشیده شدند. با هم‌آرامدن قرق‌های ضدحاملگی، برای اولین‌بار دختران لذت هم‌خواهی بدون کاپوت را تجربه کردند. دهه 1960 جنبش عظیم اجتماعی حقوق مدنی مردم تحت ستم آفریقایی-آمریکایی در آمریکا بود. جنبش عظیم اجتماعی نسل جوان فرانسه بود. جنبش ضدجنس و بیتنام بود. جان لنن، هنرمند جاودانه و میلغ جهانی عاری از جنگ و نابری (2)، در مبارزه علیه نفس وجود جنگ شعار عشق کنید ته جنگ را سرداد.

رهائی زنان شرط رهائی جامعه:

چارلز فوریه

مراد عظیمی

زنان در مبارزه شان علیه تحمیل پوشش جمهوری اسلامی، که جزئی از مبارزه رهائی بخش آن‌ها بوده است، با وجود شرایط سرکوب و اختناق شجاعانه در ظرفیت فردی به‌گونه‌هایی پوشش اسلامی را رعایت نکردند. البته، زنان در همین حد از مبارزه تاوان سنگین نیز می‌دادند. داعش‌های جمهوری اسلامی، با تکه‌های تیغ داخل دستمال لبان زنان رنگ‌شده را پاره‌پاره می‌کردند. به‌زنانی که با عمل‌شان علیه تحمیل حجاب مبارزه می‌کردند، توهین می‌کردند، زن‌های داعشی جمهوری اسلامی زنان را به‌جرم بدحجابی دستگیر می‌کردند. مطابق قانون برقیانون جمهوری اسلامی، 2 ماه حبس جریمه بدحجابی و 20 ضربه شلاق جریمه بد پوشش است. اما، با ندادن مبارزه گوناگون زنان بر متن اختناق، سرکوب، زردی، غارت، استعمار، بیکاری، تن‌فروشی، اعتیاد، گورخوابی، ملاحور شدن دستمزدها، به‌یک کلام ناپسامانی‌های اجتماعی و ناخوشنودی مردم، رژیم دیکتاتوری مجبور شد در پوشش اسلامی زنان جزء ناچیزی عقب‌نشینی کند. قدری روسری پس رفت، و رنگ‌های شاد لباس زنان ظاهر شدند. ولی، طبیعی بود که زنان به‌این حد از عقب‌نشینی رژیم ارتجاع و سرکوب تمکین نکرده‌اند. از سویی دیگر، رژیم چهل و خرافات و توحش عقب‌نشینی تا حد به‌رسمیت شناختن حق پوشش زنان را سرنگونی حکومت خدانی می‌دید. آخوندها اشتباه نمی‌کردند و به‌این دلیل همچنان با وحشی‌گری علیه آزادی حق پوشش زنان مخالفت کرده‌اند، تا زنان با انقلاب‌شان انتخاب پوشش و حقوق لگدمال شده‌شان را کسب کنند.

تحمیل پوشش مذهبی نماد سلب مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی و وارد کردن شرایط غیرانسانی زیست و زندگی برای زنان و مردان بوده است. اعمال به‌زور پوشش حجاب مذهبی زمینه‌ای برای به‌شدن لشکرهای داعشی ایران شد. با تحمیل پوشش جمهوری اسلامی، گنبد محترمترین روحیات مردسالاری و ستم به زنان را تکان داد و به‌هم زد. با تحمیل حجاب اسلامی بود که رژیم بسیج نیرو نمود و در اولین به‌اصطلاح بهار آزادی به‌گردستان دژ مقاومت علیه بر پا شدن توحش اسلامی یورش برد.

در پیامد تحمیل پوشش اسلامی، سپاه توحش اسلام به‌تشکل‌ها، جمع‌ها، تظاهرات، به‌صفت کارگران بیکار حمله کردند و کارگران را زخمی کرده و کشتند. به‌شوراهای موسسات تولیدی-خدمتی هجوم برده و سرکوب کردند. یا شوراهای کارگری را از محتوا تهی نمودند.

با سرکوب حق انتخاب پوشش زنان، چندهمسری رواج یافت، ازدواج با دختر بچه‌های 9 ساله، یا بچه‌بازی از سوی مرد رواج کرد. این رسم را محمد بانی اسلام به‌مردان سوغات آورد. محمد، مردی با سنی بالای 50 سال عایشه دختر هفت ساله را به‌عنوان نامزد به‌خانه‌اش برد و در 9 سالگی با وی ازدواج کرد و در حقیقت بوی تجاوز نمود. در رژیم پیشین دیکتاتوری شاه چند همسری (1) و صیغه، گونه تن‌فروشی مذهب شیعه در حاشیه جامعه نفس می‌کشید. در آن زمان، صحن مشهد جانی برای پیدا کردن مشتری از سوی تن‌فروشان و همچنین قطب جاذبه صیغه کردن بود. ولی، امروز آن چهره گذشته مشهد بسیار فاسدتر و مشمززکننده‌تر شده است. اگر، اروپائیان برای سفر سکس به تایلند می‌روند، عراقی‌ها تحت بهانه زیارت برای سکس به مشهد می‌آیند. نقل این خبر بسیار گویاست:

«حساسیت عمومی درباره تن‌فروشی زنان ایرانی در مشهد به‌ندیمان آن بود که سایت تابناک نزدیک به‌حکومت اسلامی ایران بخش کرد:

رهائی زنان شرط رهائی جامعه: ...

اجرا شدن قوانین بالا زن عملاً کنیز (برده مونث، مترجم) سرمایه دار گردید. در آغاز قرن 19 دورونی پدرسالاری آنچنان قوام گرفته بود، که وکیلی به نام توماس ارسکین، در یک سخنرانی در پارلمان انگلستان ادعا کرد که زنا کردن بدترین جنایتی است که فردی مرتکب شود، البته، با این آگاهی که شنوندگان مرد می فهمیدند که منظور جناب ایشان اشاره به رفتار زنان است و نه مردها. (7) سرمایه داران برای سرپوش گذاشتن روی سلطه کامل بر بدن زنان و تصاحب دارائی، از سوی دیگر، با کلیسای انگلستان Anglican Church، میثاقی بستند: و حق دلدلت در زندگی خصوصی افراد در اختیار کلیسا گذاشته شد و متقابلاً کلیسا شرط مشروع یا حلال زاده بودن فرزند مذکر به عنوان وارث پدر را تضمین کردند. مشابه ممر درآمد انجام ازدواج در کلیسا، این قرار داد هم منبع درآمد و هم موقعیت کلیسا را به عنوان مرجع تشخیص اخلاق جامعه، که در قرون شانزدهم و هفدهم رنگ باخته بود، دوباره زنده کرد. (7) بالاخره، بسیاری از صاحبان دارائی با چشمداشت مقام و دارائی دخترشان را با وجود میلشان و آدار می کردند با مردان قدرتمند ازدواج کنند. به گفته وری ول استون کرافت، اولین متفکر، مبارز و بنیان گزار جنبش فمینیسم این گونه از ازدواج ها را تن فرشی نامید (البته، این رسم پیش تر رواج داشته است. برای نمونه، برای افزون شدن قدرت، محمد با زینان روسای قبایل ازدواج کرد و دخترانی از خود را به مردان قدرتمند به شوهری داد!)

2- ازدواج در ایران نه بر اساس دوستی و رضایت، بلکه بر مبنای اسلامی، در اساس یک معامله تجاری خرید و فروش است. داماد در ازاء پرداخت و یا تعهد به پرداخت وجه معینی تحت نام مهریه عروس را می خورد. به سخن دیگر، این یک معامله تن فرشی است. این معامله را آخوند خطاب به عروس به این بیان: انکتکت و زوجتک نفسی الی صدق المعلوم- ترجمه فارسی، یعنی عروس می گوید، من در برابر پول معینی که به من می دهی می توانی با من به خوابی- عملی می شود. (8)

همه کشورهای دنیای مدرنیته سرمایه داری به گونه هائی حکومت های مردسالاری اند و جمهوری اسلامی بدترین است. جمهوری اسلامی، با بی شرمی عقل زن نصف مرد را توجیه می کند. چرا که، پذیرش برابری عقل زن و مرد یکی از ارکان پایه های ایدئولوژی دین محمدی را زیر سوال می برد. مردسالاری برتری مرد و تحقیر زن را ذهنیت سازی می کند. برای اینکه مرد به اصطلاح آقا بالا سر زن باشد، باید زن تحقیر و دون بودن خود و برتر بودن مرد را به پذیرد. زشت ترین نمونه هایش ظالما کماتوها یا خواهان زینباند که در خیابان ها به دختران و زنان امرونه می کنند، آن ها را دستگیر می کنند. ولی، دختران و زنان برای تن فرشی به دویی می روند، در مشهد مقدس شان تن فرشی می کنند، ولی رگ غیرت داعش های بسیجی نه با این کثافت ها، بلکه با دیدن روسری پس رفته زنان کلفت می شود.

مردسالاری در ابعاد گوناگون نابرابری، ستم و تحقیر و استثمار زنان را عیان می کند. نیروی کار ارزان زنان شاغل استثمار می شود، در منزل مفت و مجانی استثمار می شوند، تحت آزار و اذیت قرار گرفته و مورد تجاوز قرار می گیرند و غیره. مرد کارگر با ذهنیت مردسالاری همسرش را زن منزل می شمارد و نه شریک میدان مبارزه با سرمایه. به این دلیل است که در صف اعتراضات کارگری عموماً حضور همسران غایب است. سنت مردسالاری به نفع حکومت دزد جمهوری اسلامی طبقه کارگر را دوشقه کرده است. این تشنت و دو دستگی در درون طبقه کارگر، به ویژه نسل بزرگسالان، هم محصول سنت مردسالاری کارگر مرد و هم نتیجه ذهنیت تمکین همسر زن به سنت مردسالاری است. آنچنان سنت مردسالاری طی قرن ها ذهنیت سازی شده است که زن و مرد، نظیر گفتن کلمه خدا حافظ که بزرگ و کوچک، زن و مرد، باورمند به ایدئولوژی مذهب و یا افراد لادینک، نماد نفوذ مذهب، رابطه برتری بودن مرد و دون بودن زن در جامعه ملکه شده است. فوتبال همه جا و از جمله

ایران، یک ایدئولوژی مذهبی است. جمهوری اسلامی، اجازه حضور دختران در ورزشگاه را نمی دهد. جوانان پسر می توانند با اعلام اینکه اگر ممنوعیت ورود دخترها به ورزشگاهها لغو نشود، آن ها برای تماشا نخواهند رفت، ضربه سنگینی به آپارتاید جنسی رژیم وارد کنند. اما چرا، یک چنین کنش بسیار ساده و بی هزینه انجام نمی شود، نفوذ بختک مردسالاری در جوانان را برهنه می کند.

اما، نسل جوان زنان با خیزش دی ماه 1397، پرچم داران برابری جنسی و رهائی زنان اند. تا پیش از ویدا موحد دختران و زنانی چند حجاب اسلامی را به سفره گرفتند و از سر برداشتند، ولی حرکت تاریخی ویدا موحد سمبل و نماد برخاست رهائی زنان ایرانی از ستم های مردسالاری سرمایه داری مدرنیته ایدئولوژی مذهب شیعه گردید، همچنان که شجاعت و نه ترسی روزا پارکس آغازگر جنبش حقوق مدنی Civil Rights Movement، در آمریکا را کلید زد. روزا پارکس زن جوان افریقائی-آمریکائی در صندلی جلو اتوبوس نشسته بود. اتوبوس ایستاد و یک مسافر سفید پوست داخل اتوبوس شد. مسافر سفید پوست با تحکم از روزا خواست برود و بر صندلی عقب بنشیند. روزا محکم و با متانت بوی گفت پشت صندلی خالی هست. سخن کوتاه، پلیس را خبر کردند، ولی روزا از جایش بلند نشد.

ملاحظات

1- رضا شاه 5 بار ازدواج کرد، دو همسر اول و دوم وی درگذشتند، و رضا شاه به همسرای کوچک سه همسر باقی مانده قناعت کردند!؛ 2- جان لنون شعر و آهنگ ترانه جاودانه تصور کن را ساخت و خودش اجرا کرد؛ 3- تاریخ ویل دورانت؛ 4- جون اسمیت، «اخلاقیات»، سکس، پول و قدرت در قرن بیست و یکم» ص 86، نوشته جون اسمیت؛ 5- همان جا ص 87؛ 6- همان جا ص 87؛ 7- همان جا ص 97؛ 8- واژه انکتکت از ریشه نکج میاد که کلمه نکاح هم از همین ریشه میاد. نکاح، یعنی زن کردن، لغت نامه دهخدا.



«آیا خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی...»

مسئله اصلی که تعیین کننده ماهیت برابری جنسیتی هر انقلابی است، عموماً به پس از پیروزی جنبش مربوط می شود.

این که آیا پس از پیروزی نیز، زنان همچنان نقش برجسته فرضی خود در فرایند انقلاب را حفظ می کنند و یا در عوض همانند دیگر گروه های فرودست اجتماعی گوناگون که نقشی سرنوشت ساز در فرایند انقلاب داشته اند، به طور سیستماتیک از دستیابی به موقعیت های قدرت محروم می شوند. برخلاف دیگر جنبش هایی که پس از دستیابی به قدرت، جایگاه پیشین زنان مبارز را از آنان دریغ می کنند، در مدل سیاسی و اجتماعی کنفدرال، زنان در قدرت سیاسی به طور واقعی هم قیل و هم پس از انقلاب سهیم هستند.

بنا بر این، در کنفدرالیسم دموکراتیک، زنان از جایگاه مهمی برخوردارند. در این مدل سیاسی، زن و مرد دوش به دوش هم حرکت می کنند و در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاع عمومی از جایگاه یکسان و برابری برخوردارند. در طول تاریخ بشر، همیشه مبارزه و مقاومت زن ادامه داشته و دارد. زن برای آفرین زندگی اجتماعی، برای تامین زندگی و مبارزه با شرایط سخت، رنج ها و سرکوب های زیادی را متحمل شده است. از این رو، تاسیس و تثبیت یک جامعه نوین، باید از جامعه مردسالار کاپیتالیستی عبور کند تا به یک جامعه آزاد و برابر برسد. کنفدرالیسم متکی بر آزادی، برابری و عدالت اجتماعی است. ما تاریخاً در مدل حکومتی شوروی سابق و یا یوگسلاوی سابق، شاهد اعمال قدرت از بالا بودیم و نه از پایین. چنانچه دیدیم پس از فروپاشی این دو مدل، چگونه گرایشات ناسیونالیستی و مذهبی به جان مردم افتادند. بنابراین، کنفدرالیسم راهحلی انسانی و کم درد است. در کنفدرالیسم دموکراتیک، محیط زیست جایگاه

خاصی دارد. یعنی در این مدل انسان و طبیعت با همدیگر اجین می شوند و اجازه نمی دهند محیط شان آلوده شود. امروز مسئله محیط زیست در ایران، نه یک مسئله لوکس، بلکه یک مسئله دردآور و فلاکت بار و تکان دهنده است. چرا که فقط در پایتخت نمایندگان خدا، هر سال حدود چهار هزار انسان به دلیل آلودگی هوا، جان خود را از دست می دهند. اکنون ریزگردها در خوزستان و سیستان و بلوچستان فاجعه بار و غیرقابل تحمل شده است. دریاچه ها و تالابها، یکی پس از دیگری خشک می شوند و جنگل ها نابود می گردند. اکنون در بسیاری از شهرها و مناطق مختلف ایران، کم آبی به یک معضل بزرگ انسانی تبدیل شده است و در بعضی مناطق به درگیری منجر شده و یا جیره بندی آب و آوردن آب با تانکر از نقطه دیگر به مرحله اجر درآمده است.

خشک شدن دریاچه نمک ارومیه، تنها خشک شدن یک دریاچه نیست که در جای خود دردناک است اما خشک شدن این دریاچه، کوهی از نمک را بر جای می گذارد که با وزیدن هر باد و باران و طوفانی به مناطق دیگر می رود و باعث خشک شدن مراتع و باغ ها می شود و بیماری های پوستی و چشمی به وجود می آورد. این مسئله جان و زندگی حدود 25 تا 35 میلیون انسان و همچنین میلیون ها موجود زنده دیگر را تهدید می کند. گفته می شود تاکنون بیش از 60 درصد دریاچه ارومیه خشک شده و عامل اصلی آن نیز حکومت اسلامی است. ده ها سد در اطراف این دریاچه ساخته شده و آب آن ها مانند سابق به این دریاچه نمی ریزد. از وسط دریا جاده های بین ارومیه و تبریز کشیده شده است که از هر طرف بخشی از دریاچه را با شن و سنگ پر کرده اند و این مسئله مانع جزر و مد طبیعی دریاچه شده است. بنابراین مسئله زیست محیطی در ایران، یک مسئله سیاسی و امنیتی شده است و فعالین این عرصه در زندان ها هستند و خبر اخیراً یک کارشناس دانشگاهی آن را نیز در زندان زنی شکنجه شستند. از این رو، اهمیت ویژه به مسئله محیط زیست در سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک یک امر حاشیه ای نیست، بلکه یک امر مرکزی و مهم است.

اقتصاد در کنفدرالیسم دموکراتیک چه وضعی پیدا خواهد کرد؟ اصولاً اقتصاد بر چه مبنایی سازمان دهی خواهد شد؟ مسئله مزدبگیران چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ آیا رابطه اقتصادی کماکان با جهان سرمایه داری چگونه تنظیم خواهد شد؟ و...

چنانچه در سطح محلی، شوراهایی که کنترل تولید و توزیع در مراکز تولید و اداره جامعه را برعهده گرفته اند و به شیوه ای خودگردان محلات را اداره می کنند اگر در سطح سراسری و ارتباطات بین المللی با سرمایه و جهان بیرون خود را تنظیم نکنند چه بسا مسیر آن منحرف خواهد شد.

اقتصاد کمونال، همانند سیاست آن در مقابل اقتصاد کاپیتالیستی قرار دارد و این اقتصاد نباید مبتنی بر کسب سود و کار مزدی باشد. تولید هم باید بر مبنای نیازها جامعه صورت گیرد نه برای انباشت سرمایه. در این سیستم اقتصاد همگانی است. یعنی همه از حق و حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی یکسانی برخوردارند و مازاد اقتصادی نیز به توسعه خدمات عمومی و نیازهای جامعه به ویژه آموزش و پرورش و درمان و بهداشت اختصاص داده می شود که رایگان هستند.

در واقع رسیدن به خودگردان اقتصادی مبتنی بر صنعت اکولوژیک و اقتصاد کمونی محوریت دارد. اقتصاد و صنعت و توسعه باید همسو با محیط زیست باشند. سیستم مالی و بزاری در این سیستم بر کسب پول از طریق پول مبتنی نیست، بلکه در پی بازدهی اقتصادی است و تلاش برای تحقق شعار «کار کردن آزاد است» به جای تصور کار به مثابه عمل شاق و بی گاری. بر این اساس، «حفظ خاک و جنگل کاری... مقدس ترین نوع کار است.»

دفاع در این سیستم مبتنی است بر سیستم خوددفاعی. بر این اساس کلیه امور امنیتی داخلی و دفاع ملی مشترکی که در برابر خارج صورت می گیرد، باید توسط خود جامعه سازمان دهی شوند، چرا که یک جامعه کنفدرالیسم دموکراتیک، اصل بر دفاع است نه تهاجم. بنابراین در این مدل سیاسی روابط و مناسبات دیپلماتیک بر اساس منافع عموم مردم و علتی

سرمایه‌داری عامل نابودی محیط زیست

بیژن رنجبر

امکان حیات بر روی سیاره زمین در معرض تهدید جدی قرار دارد. سیستم مخرب، ویرانگر و سودجوی سرمایه‌داری دست‌اندرکار تشدید و خامت بار روند زوال امکان ادامه زندگی بر روی کره زمین است. دانشمندان هشدار می‌دهند چنانچه این روند ویرانگر ادامه یابد و به‌طور نمونه تولید گازهای گلخانه‌ای کنترل نگردد، به‌هیچ‌وجه احتمال وقوع فاجعه‌های عظیم زیست محیطی دور از انتظار نیست. مطالعات علمی در این خصوص ناظر بر این واقعیت است که چنانچه روند تآکونی ادامه پیدا کند، بروز فاجعه افزایش دمای جو زمین به‌میزان چهار درجه سانتی‌گراد تا سال 2050 میلادی حتمی خواهد بود. بر اساس یافته‌های یک پژوهش علمی، از سال 1849 که سنجش و اندازه‌گیری دمای کره زمین آغاز گردید، ظرف دو دهه گذشته مصادف با اعمال سیاست‌های نئولیبرالیستی در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری جهانی افزایش دمای جو سیاره ما بی‌سابقه بوده است. بمباران‌های فاجعه‌ناک و قدرت طوفان‌ها افزایش خواهد یافت و دسترسی به آب آشامیدنی برای بخش عظیمی از گروه‌های انسانی بسیار دشوار می‌گردد. همچنین تغییرات شدید در الگوهای اقلیمی می‌تواند سبب گسترش بیابان‌ها در قسمت‌های وسیعی از سطح کره زمین گردد. این امر به‌نوبه خود میزان فشار کنونی بر جنگل‌ها را که همچون ریه‌ها به‌پالایش اتمسفر زمین و جذب گازهای گلخانه‌ای و نیز به‌حفظ تعادل اکوسیستم‌ها و چرخه‌های حیات یاری می‌رسانند، خواهد افزود.

بدیهی است که بشریت پیشرو از بابت روند افزایشنده تخریب و نابودی محیط زیست، تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط صنایع بزرگ سرمایه و تهدیدی که از این ناحیه متوجه آینده سیاره ما می‌باشد، سخت نگران است، چنانکه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد هم‌اکنون حدود هفتاد درصد جمعیت جهان در خصوص آینده زمین بیمناک و نگران‌اند. با این همه، باید بر این نکته تأکید ورزید که وقوع چنین فاجعه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر نیست، چنانچه از میزان تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای کاسته شود، نسل ما قادر خواهد بود تا از وقوع فاجعه زیست محیطی ممانعت به‌عمل آورد.

لیکن پرسش عمده و بنیادین این است که همانا با توجه به‌علل و ریشه‌های واقعی بحران زیست محیطی دام‌گیر زمین و نیز تجارب برآمده از پروسه تاریخ تکامل نهادهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری، آیا نظام سرمایه مسلط بر سیاره ما قادر خواهد بود از وقوع این فاجعه ممانعت به‌عمل آورد و روند تخریب و نابودی محیط زیست را متوقف سازد؟

چنانچه واقع‌بین باشیم با عطف به مختصات ذاتی سرمایه‌داری در سه سطح روان‌شناختی، فلسفی و اقتصادی پاسخ این پرسش منفی خواهد بود. مشخصه ذاتی سرمایه‌داری در سطح روانی، بی‌اخلاقی و سودپرستی گریزناپذیر و حرصانه بدون توجه به‌پیامدهای مخرب شیوه‌ها و راهکارهای دست‌یابی به‌سود بیش‌تر به‌هر قیمت است. سرمایه‌داری، این سیستم فاقد وجدان و اخلاق با چنین انگیزشی همه چیز را در معبد سودپرستی فدا می‌سازد.

از سوی دیگر، فردگرایی بنیان تفکر فلسفی سرمایه‌داری را پی رخته است، فلسفه فردگرایانه سرمایه در مغایرت با منافع عمومی، مصالح جمعی و روندهای کولکتیو و اجتماعی شکل پذیرفته و اصالت

مطلق را به‌منفع و سود فرد در ضدیت با نفع و سود جمع رقم زده است.

همچنین بنیان‌های ساختار اقتصاد سرمایه‌داری که در واقع نافی اقتصاد واقعی به‌معنای پروسه رفع نیازمندی‌های مادی بشر است، نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای در روند تشدید نابودسازی محیط زیست و هدایت چرخه حیات بر روی سیاره زمین به‌آستانه مرگ بر عهده دارند. سرمایه‌داری با چنین ساختار اقتصادی قادر نیست از روند تشدید بحران زیست محیطی جلوگیری به‌عمل آورد زیرا کل موجودیت چنین فرمایشی به‌همراه شیوه تولید اقتصادی سراسر متناقض‌ااش در ضدیت با طبیعت و محیط زیست سازمان یافته است. این نظام اقتصادی در واقع متکی بر سوخت‌های فسیلی و کربنی ارزان و لیکن نابوده‌کننده محیط زیست که به‌دلیل ارزان بودن، انگیزه و اشتیاق سیری‌ناپذیر سرمایه سودپرست و حرص را تحریک می‌نماید تا به‌حیات صنعتی و چرخه تولید کالایی خود ادامه دهد.

اقتصاد سرمایه‌داری تنها ظرف کمتر از یک‌صد سال بخش عظیمی از منابع و ذخایر ارزشمند زمین را که طی میلیون‌ها سال پدید آمده‌اند، نابود ساخت، محیط زیست را به‌شدت آلوده نمود، موجب ایجاد حفره در لایه اوزن گردید، صدها گونه گیاهی و جانوری را نابود کرد، منابع خاک و آب را در بسیاری از نقاط سیاره زمین آلوده ساخت و در نهایت سیاره کوچک ما را به‌نقطه‌ای کشاند که هم‌اکنون در معرض خطر جدی تبدیل شدن به‌مکانی نامان برای حیات و غیرقابل سکونت برای همه انواع جانداران قرار دارد.

در حقیقت ترکیب کارکردی سه مشخصه ذاتی سرمایه‌داری در سه سطح روانی، فلسفی و اقتصادی مانع از هرگونه اقدام و حرکت جدی اصلاحی در چارچوب این سیستم در راستای تخفیف بحران زیست محیطی سیاره زمین می‌گردد. به‌طور نمونه، لازم است به‌خاطر آوری که به‌حیث حاکمه آمریکا، یعنی یکی از بزرگترین کشورهای آینده محیط زیست و منشاء تولید و انتشار بیش از چهل درصد گازهای گلخانه‌ای نه تنها از بیوسنن به‌پیمان موسوم به «کیوتو» که در سال 1997 با هدف مهار افزایش تصاعدی گازهای گلخانه‌ای منعقد گردید، سر باز زد، بلکه بعد از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، این کشور از معاهده تغییرات اقلیمی موسوم به‌توافق پاریس هم در ژانویه 2017 خارج گردید.

به‌عبارت دیگر، نه تنها سرمایه‌داری بنا به‌مقتضیات ذاتی خود قادر به‌حل قاطع بحران زیست محیطی موجود نیست، بلکه خود به‌دلیل سلطه سیاست‌های نئولیبرالیسم اقتصادی، توسعه بازار محور و حرصانه بی‌توجه به‌اثرات مخرب آن بر چرخه حیات در زمین، معضل اصلی و عامل عمده در پیدایش بحران مزبور و روند تشدید نابودی امکان حیات در سیاره ما می‌باشند. در حقیقت معضل اصلی، موجودیت خود نظام سرمایه‌داری است.

به‌پیمانی دیگر، گرچه شرایط اقلیمی طی میلیون‌ها سال تاریخ تکامل زمین بارها دست‌خوش تغییرات شدید گردیده لیکن تنها در عصر تسلط سرمایه بر جهان است که افزایش تصادعی تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای و روند نابودی اکوسیستم‌ها و چرخه‌های حیاتی و ضروری برای امکان ادامه بقا در زمین، این چنین آهنگ شتابان و نگران‌کننده‌ای به‌خود گرفته است.

در واقع سرمایه‌داری مرحله جدیدی را در تاریخ حیات کره زمین گشوده است که تحت آن، عمل دگرگون ساز و تحول آفرین انسان در عرصه طبیعت از رهگذر سازمان اجتماعی تقسیم کار سرمایه به‌گونه‌ای در تضاد با طبیعت و اجزای ارگانیک و جدایی‌ناپذیر آن هدایت و ساماندهی شده که همانا منجر به‌نابودی جمعی و احای گسترده بخشی از چرخه حیات در زمین گردیده و این سیاره را به‌عنوان سکونت‌گاه طبیعی هزاران گونه گیاهی و جانوری در معرض خطر نابودی قرار داده است.

در حقیقت مکانیسم‌های بنیادینی که ادامه حیات و بقای سرمایه را تضمین می‌کنند در مسیر خلاف مقتضیات حیات و بقای مشترک انسان و طبیعت شکل گرفته و حرکت می‌کنند، از این‌رو، معضل اصلی و مانع بنیادین فراوری پروسه مداوم حیات و تضمین ادامه بقا در زمین، تسلط سرمایه‌داری و شیوه تولید استغراقی، بهره‌کشانه، سودپرست و حرصانه آن بر مقدرات زندگی در سیاره ما است.

به‌همین دلیل روشن، راه‌حل بنیادین و قاطع در مقیاس جهانی جهت برون‌رفت از بحران حال حاضر زیست محیطی را بایستی در ورای مرزهای موجودیت سیستم سرمایه‌داری جستجو نمود.

**** ****

«آیا خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی...»

و دوستانه و مسالمت‌آمیز است. کنفدرالیسم دموکراتیک از دیپلماسی به‌منابه ابزار صلح و برقراری روابط مفید و دوستانه با خلق‌های همسایه و اجتماعات خویشاوند بهره می‌گیرد و همچنین برای بر سازمان‌دهی اجتماعات مشترک می‌پردازد.

در پایان و در جمع‌بندی بگویم که طبق نظریات آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر، به‌خصوص علوم اجتماعی، تمامی مشکلاتی که انسان درگیر چاره‌یابی آن است، با هم مرتبط هستند. امروز گام‌های زیادی نیز برداشته شده‌اند که حائز اهمیت هستند. دیگر معضل کارگران فقط با نابرابری صنفی و جامعه‌طبقاتی ارزیابی نمی‌شود. دیگر کارخانه‌ها همچون تنها علت اصلی مشکلات اکولوژیک پنداشته نمی‌شوند. ما در جامعه کنونی ایران، میلیون‌ها بیکار و میلیون‌ها زن خانه‌دار داریم که هیچ‌گونه درآمدی ندارند. دیگر بر این واقعیت که حاکمیت سوسیالیستی حزبی و سوسیالیسم موجود و با اتکا به‌تجارب شوروی سابق و چین به‌اصطلاح کمونیست امروز، به معنی تحقق سوسیالیسم علمی و راستین نیست. دیگر آشکار شده که اقتصاد فقط بخشی از زندگی اجتماعی است و تعیین‌کننده هر چیزی نیست. بنابراین، ما موظفیم دوباره جهان‌مان را تفسیر کنیم. دوباره خودمان را سازمان‌دهی کنیم. ما در قرن بیستم و هفتم، وظیفه داریم جهان و همه پدیده‌هایش را با دیدگاهی نو و با اتکا به آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر ارزیابی کنیم. امروز باید خوش‌بینی تدریجی و فطرح‌چگانی اصلاحات در ایران را کنار گذاشت و به‌فکر سازمان‌دهی انقلاب بود. نهایتاً امروز باید تصورات و تخیلات خودمحوری‌بینی، فرقه‌گرایی، کیش شخصیت و رقابت‌های کاذب سازمانی و شخصیتی را کنار گذاشت و با پیرامون خود به‌بحث و گفتگو نشست.

تا آن‌جا که به پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران برمی‌گردد این پلاتفرم... مستقل است و به هیچ نیرویی وابسته نیست. این پلاتفرم و نیروهای آن، خود را هیچ حزب سازمان و حزبی نمی‌دانند. سیاست‌ها و اهداف این پلاتفرم... جدی است و حرف تازه برای گفتن دارد. این پلاتفرم... علیه هرگونه تبعیض و سنم و نابرابری و علیه کاپیتالیسم است. این پلاتفرم... آماندگی دارد که حتی با منتقدان خود گفتگو کند و از نیروی‌های که خواهان پیوستن فردی و جمعی و سازمانی به پلاتفرم هستند استقبال می‌کند. نهایتاً این پلاتفرم، برای ساختن جامعه نوینی مبارزه می‌کند که در آن همه شهروندان بدون توجه به جنسیت، ملیت، رنگ، اختلافات سیاسی و مذهبی، دور هم جمع می‌شوند و در جهت تاسیس و تثبیت یک جامعه دموکراتیک، آزاد و برابر بحث و گفتگو و تصمیم‌گیری می‌کنند و خوششان نیز مستقیماً مجری تصمیمات مجامع عمومی خود می‌شوند.

در حقیقت اگر پروژه کنفدرالیسم دموکراتیک در پروسه ساختن زیربنای فکری و عملی خود، باید به‌طور جدی به‌مسئله طبقاتی کارگران، زنان، خلق‌های ایران و مسئله زیست محیطی توجه کند و دست به‌پوشش مناسبات سرمایه‌داری ببرد. در غیر این صورت آسیب‌پذیر خواهد شد. به‌خصوص باید توجه کنیم که دشمنان زیادی در سطح منطقه و جهان خواهان نابودی این الگو در روزآوا هستند.

یک ویژگی مهم و برجستگی کنفدرالیسم دموکراتیک با مناسبات شورایی این است که بیان شکل‌های هویتی نه از قبیل هویت‌های ملی، جنسیتی، نژادی و مذهبی، بلکه به‌واسطه شوراهای نمایندگانی اجرایی آن به‌شیوه دموکراتیک و انسانی و برابری‌طلبانه تضمین می‌شود و از شکل‌گیری کانون‌های خصمانه سیاسی و نابرابر ثروت و قدرت در کنار هم ممانعت به‌عمل می‌آورد.

اهداف و رنوس راهکارهای پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، فرم عضویت در این‌جا در مقابل شماسست. در این میان، صادقانه بگویم که ما ادعایی نداریم که سیاست‌های ما بی‌عیب و نقص است از این‌رو، از هر انتقاد سازنده و رقیفانه و صمیمانه به‌شدت استقبال می‌کنیم.

ما موظفیم در میان بیگانگی امروز، به‌سوی جهان دیگری حرکت کنیم. ما باید حامل آن پیام و فرهنگ جهان‌شمول انسانی باشیم که انسان‌ها همدیگر و طبیعت‌شان را دوست دارند. انسان‌ها آگاهند که چگونه خلاقیت‌های مشترک‌شان را شکوفا سازند. ما به‌تغییر جهان و فعالیت‌هایمان هستند تغییر فصل‌ها باور داریم و همواره به بهار آزادی، نوید لغو کار مزدی و بردگی، به برابری زن و مرد، به‌رعایت حقوق کودکان، به احترام بان‌نست‌نگان، به گلستان آزادی زبان‌های مادری، مذاهب، محیط زیست سالم و در یک کلام به‌جامعه خودمدیریتی دموکراتیک شورایی و سوسیالیستی و نهایتاً به یک جامعه بی‌طبقه شهروندان آزاد بیندیشیم!

برقرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران! ممنونم که حوصله کردید و به‌سخن‌مان گوش دادید.

«هشدار» به خانواده‌ها ...

باید توجه کنیم که کودکان ذهن کنجکاو و ساده‌ای دارند از این‌رو، ممکن است این تهدیدات خیلی زود روی آن‌ها اثرات منفی بگذارد و تهدیدات مومو را باور کنند. در نهایت این همه فشار و تهدید باعث می‌شود تا کودک و یا نوجوان کمک دچار افسردگی شدید شده و در نهایت تنها راه فرار را خودکشی بدارند.

اما برای مقابله با خطرات مومو و رهایی از این چالش خطرناک، خانواده‌ها باید بسیار هوشمندانه عمل کنند. بسیاری از کارشناسان این بازی را همچون چالش «اسلندرمن - Slanderman» می‌دانند که در گذشته باعث شده بود کودکی تا مرز کشتن یکی از دوستان خود پیش برود! با این حساب به هیچ‌وجه نباید این ماجرا را نادیده گرفته و به سادگی به‌عوارض و عواقب آن چشم بست.

به‌نوشته روزنامه بویرس آیرس تایمز، دختر بچه 12 ساله‌ای که احتمالاً قربانی این بازی شده، از تمام فعالیت‌های خود قبل از خودکشی فیلمبرداری کرده است. مقامات معتقدند احتمالاً فردی او را به‌خودکشی ترغیب کرده است.

در بازی مومو در شبکه اجتماعی واتس‌آپ یک تماس ناشناس با کاربر اتفاق می‌افتد و کسی که با کاربر در تماس بوده، وی را وادار می‌کند تا به‌سمت خودکشی برود.

بر اساس گزارش‌های پلیس، اتفاقاتی که در این بازی خطرناک می‌افتد می‌تواند کاربر را به‌سمت کارهای خشونت‌آمیز بکشاند و باعث اتفاقات جبران‌ناپذیر شود. در این گزارش پلیس که شبکه اجتماعی واتس‌آپ با فاکس نیوز و بی‌بی‌سی و... منتشر کرده‌اند آمده است: «ما راهکارهای ساده‌ای را برای گزارش کاربران به واتس‌آپ در اختیار کاربران قرار داده‌ایم. از این‌رو، کاربران به راحتی می‌توانند این مشکل را برطرف کنند. اما خواهشی که از کاربران واتس‌آپ داریم این است که تمامی تماس‌های مشکوک را در اختیار کاربران قرار دهند.»

علاوه بر اتفاقاتی که در آرژانتین روی داد، این‌بار نوبت به کشور مکزیک رسید، پلیس مکزیک هم هشدارهایی را در مورد بازی خطرناک مومو به‌خانواده‌ها داده است.

اگر شما هم نگران فرزندان‌تان هستید حتماً فعالیت فرزندان‌تان را در شبکه‌های اجتماعی که جمله واتس‌آپ و فیس‌بوک زیر نظر بگیرید. مطمئناً با نظارت بر فعالیت‌های فرزندان‌تان از اتفاقات مشکل ساز و خطرناک‌ها دور خواهید ماند.

نهنگ آبی نیز نام یک بازی اینترنتی است که 50 مرحله دارد. مراحل این بازی از کشیدن یک نهنگ بر روی بازو، بریدن بازو و تیغ زدن رگ شروع می‌شود و تا به‌بلندی رفتن و خودکشی کردن ادامه دارد.

البته در مراحل اولیه بازی کارهای آسان‌تری نسبت به‌مرحله پایانی از کاربر خواسته می‌شود. بازی اینترنتی نهنگ آبی یک بازی وحشتناک است که به کشورهایی چون ایران وارد شده است.

گروه مدیریت‌کننده این بازی اینترنتی در مدت 50 روز از کاربران می‌خواهند تکالیفی را انجام دهند و در پایان روز تصویری از تکالیف انجامی را برای این افراد ارسال کنند تا در نهایت بتوانند وارد مرحله بعدی بازی شوند. از جمله عملیات و تکالیفی از کاربران خواسته می‌شود تا انجام دهند شامل خودزنی با تیغ، حک شکل و شماره با چاقو و یا تیغ بر روی بازو، دیدن فیلم‌های وحشتناک، حاضر شدن در ساعات مختلف در مکان‌های مختلف و ...

بازی اینترنتی نهنگ آبی در سال 2013 از روسیه آغاز شد. این بازی به‌صورت یک خطر در حال گسترش در تمام کشورهای دنیا است. این بازی 50 روزه بوده و 50 مرحله دارد و انتهای بازی به‌خودکشی کاربران منتهی می‌شود. برای انجام بازی اینترنتی نهنگ آبی پیروی از دستورات ادمین ضروری است.

مراحل 30 تا 49 بیدار شدن هر روز ساعت 20:4 دقیقه صبح، دیدن فیلم‌های ترسناک، گوش‌دادن به‌موزیک‌های ارسالی توسط ادمین، صحبت کردن با یک نهنگ، هر روز برش دادن قسمتی از بدن با تیغ 50: پریدن از یک ساختمان بلند و گرفتن جان خود!

جدیدا در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی منشتر شده است که نشان از خودکشی دو کاربر ایرانی به‌دلیل انجام بازی اینترنتی نهنگ آبی دارد.

حدود چهار سال از آغاز فعالیت این بازی می‌گذرد و تاکنون توانسته است قربانیانی در جهان داشته باشد. در روزنامه نوویا گزتا ذکر شده است که از نوامبر سال 2015 تا آوریل سال 2016 میلادی، 130 مورد خودکشی اتفاق افتاده است که هر 130 مورد نیز مرتبط با بازی اینترنتی نهنگ آبی بوده است. حوادث مختلفی که در آن نوجوانان خود را زیر قطار می‌اندازند و یا خود را از پشت بام‌ها پرت می‌کنند.

پلیس روسیه پس از پیگیری‌های لازم در این زمینه از بازداشت دو نوجوان خبر داد که گویا از صحنه خودکشی یکی از نوجوانان فیلمبرداری می‌کردند. گفته می‌شود بررسی‌ها در این زمینه توسط پلیس روسیه ادامه دارد.

نهایتاً سیستم سرمایه‌داری و تولید آن، مبتنی بر کسب سود بیشتر و توهین آشکار به انسان است. انسان در مکتب سرمایه‌داری، محکوم به استثمار است!

دولت‌های کنونی سرمایه‌داری جهان از مدل دیکتاتور آن گرفته تا نئولیبرال، خود به‌دلالت صنایع و شرکت‌های بزرگ از صنایع اسلحه‌سازی گرفته تا ماشین‌سازی و سازمان‌دهی قاچاق مواد مخدر و اسلحه و غیره تبدیل شده‌اند اساساً توجه چندانی به رفاه عمومی جامعه، وضعیت مزدبگیران، بازنشستگان، بیماران، بیکاران، کودکان و آموزش و بهداشت ندارند.

در چنین وضعیتی، کودکان بیش از همه در معرض تولیدات خطرناک سرمایه‌داری مثل «مومو» و «نهنگ آبی» هستند.

با این وصف، جهان کنونی ما وارونه است و باید آن را برگرداند و بر روی پاهایش خود قرار داد. یعنی جهانی ساخت که از یک‌سوی تولید صرفاً نیازها واقعی انسان را تامین کند و از سوی دیگر، هیچ انسانی، انسان دیگر را به‌خاطر کسب سود و نفع‌پرستی شخصی استثمار نکند. و مهمتر از همه جوامع بشری با نقد محکم و قاطع فلسفه «ملت‌دولت» جامعه دموکراتیک خودگردان و یا خودمیدریتی خود را به وجود آورند و اداره کل جامعه را به عهده گیرند!



گسترش اعتراض و اعتصاب در ایران

در مقابل ...

تجمع اردیبهشت ماه معلمان مقابل سازمان برنامه و بودجه که برای بیان مشکلات صنفی و خواست افزایش دستمزدها و جلوگیری از خصوصی‌سازی آموزش برگزار شده بود، با بورش نیروهای پلیس مواجه شد. بازداشت شدن این تجمع پس از انتقال به زندان اوین، با قید کفالت آزاد شدند.

یکی دیگر از دستگیرشدگان این تجمع، محمد حبیبی، فعال صنفی فرهنگیان و عضو هیات مدیره کانون معلمان استان تهران است که به بیش از 10 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد و طبق قانون، هفت سال و نیم آن قابل اجرا است. پرونده او هفته گذشته به دادگاه تجدیدنظر رفت. محکومیت فعالان صنفی به‌ویژه معلمان، واکنش‌های جهانی در پی داشته است.

پس از حمله مسلحانه به رژه نیروهای مسلح حکومت اسلامی در اهواز، 22 سپتامبر 31 شهریور 1397 - 22 سپتامبر 2018، این شهر و مناطق مختلف استان خوزستان، شاهد بازداشت و دستگیری‌های گسترده جوانان عرب از سوی نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، و نهادهای امنیتی وابسته به سپاه پاسداران و نیروهای بسیج بود. در حالی که مقامات امنیتی ایران از بازداشت 22 نفر در این رابطه خبر دادند اما برخی فعالان و منابع محلی به‌سازمان حقوق بشر اهواز گزارش دادند شمار بازداشت‌شدگان که فعالان سیاسی و فرهنگی و حتی شهروندان عادی را شامل می‌شود از 300 نفر گذشته است. این موج گسترده دستگیری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که هنوز ابهامات زیادی در رابطه با عاملان و پشت پرده این هجوم مسلحانه وجود دارد.

مردم خوزستان مهر استا با سایر نقاط ایران، از ابتدای سال جدید شمسی شاهد اعتراضات و ناراضی‌های گسترده‌ای در رابطه با موج گرانی‌ها، کمبود آب آشامیدنی، بیکاری، وضعیت جوی و مشکل ریزگردها، آلودگی ناشی از پروژه‌های اقتصادی و بحران انتقال آب و... بوده است که موج بازداشتی‌های اخیر نمی‌تواند جدا از این شرایط بحرانی فهمیده شود.

حکومت اسلامی از طریق دستگیری‌های جمعی، تلاش دارد با بهره‌برداری از درگیری اخیر اهواز به میلیتاریزه کردن خوزستان بپردازد و این‌چنین فضا را برای سرکوب موج

ناراضی‌های فزاینده مردم عرب‌زبان در برابر سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه آماده سازد. مامورین سرکوبگر امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، با بهانه مختلف به‌خاتمه‌های مردم می‌ریزند، فضای رعب و وحشت ایجاد می‌کنند، زمینه پرونده‌سازی و اعدام‌ها و کشتار زندانیان را فراهم می‌سازند. کاری را که نمی‌توانند با کارگران مجتمع فولاد اهواز و نیشکر صنعتی و ده‌ها هزار مردمی که در خیابان‌ها به‌تظاهرات می‌پردازند، انجام دهند.

همچنین در تهران نیز همه جا نیروی ویژه ضدشورش مستقر شده‌اند. بنابر گزارش‌ها از تهران، ماموران ویژه نیروی انتظامی در نقاط مختلف شهر به‌ویژه در ایستگاه‌های مترو حضوری گسترده دارند. همه این بگیر و ببندها نشان می‌دهد که حکومت اسلامی از گسترش اعتراض‌های مردمی و اعتصاب‌های کارگری سخت وحشت دارد.

سنوات این که چرا با وجود درآمدهای نفتی کلان، حکومت اسلامی ایران در مقابله با بیکاری، پرداخت دستمزدهای معوقه، رکود و کاهش فقر، بازسازی محیط زیست و سایر مطالبات کارگران توجه نکرده است؟ در حالی که رانت‌خواری، رشوه‌خواری، دزدی میلیون‌ها و میلیارد‌ها دلار از ثروت‌های جامعه و فساد دولتی همه تار و پود حکومت اسلامی را از بالا تا پایین فراگرفته است.

بنا به‌گفته تشکل‌ها و فعالان کارگری، در سال‌های اخیر، هزاران کارگاه و کارخانه کوچک و بزرگ تعطیل و کارگران آن به ارتش چند میلیونی بیکاران پیوسته‌اند. کارخانجات به‌دلیل نبود مواد اولیه و نقدینگی میزان تولیدات خود را کاهش داده‌اند. دود کاهش تولید اولین بار در چشم کارگری می‌رود که در آن کارخانه مشغول به‌کار است. با کاهش تولید اولین تصمیمی که کارفرمایان می‌گیرند، تعدیل نیرو است. برای مثال، بیش از 35 کارخانه در حوزه زرنديه و ساوه است که کارگرانش بین 2 تا 10 ماه حقوق معوق دارند. در شرایط اقتصادی کنونی کارگری که حقوق می‌گیرد، نمی‌تواند زندگی را اداره کند. کارخانه پروقیل سوله، مجموعه پروقیل و گروه صفا و کارخانه شیرگاه از جمله کارخانجاتی هستند که کارگرانش حقوق معوق دارند. کارخانه مقررده‌سازی ساوه از ابتدای سال 70 نیروی خود را تعدیل کرده است. همچنین محصولا غذایی سناپچ در ساوه، به‌علت مشکلات مواد اولیه مجبور به‌کاهش اضافه کاری‌ها و شیفت‌ها شبانه خود شده است.

به‌گزارش کارگرگزاری دولتی ایرنا، 07.01/1397 محمد علی نجفی استاندار البرز، گفته است که 3500 واحد تولیدی و صنعتی کوچک، بزرگ و متوسط در استان البرز وجود دارند که در سال‌های اخیر برخی از این صنایع به‌علت مختلفی مانند کمبود نقدینگی و مواد اولیه دچار مشکل یا رکود شده‌اند.

دبیر انجمن صنفی کارگری خراسان شمالی گفت: در شرایط فعلی عمده واحدهای صنعتی در 5 شهرک صنعتی استان غیرفعال یا نیمه فعال هستند. ضمن این که واحدهای زیادی نیز در خارج از شهرک‌ها فعالیت داشتند و اکنون غیرفعال شده‌اند. رنجایی در ادامه افزود: ... تعداد زیادی کارگر بیکار داریم به‌طوری که خراسان شمالی رتبه اول بیکاری را دارد. با تعطیل شدن تنها یک کارخانه 800 کارگر در استان بیکار شدند، بنابراین با تعطیلی 250 کارخانه تعداد بیکاران بسیار افزایش می‌یابد.

رییس اتحادیه کفشان دست‌دوز گفت: بیش از 80 درصد از تولیدکنندگان (بنگاه‌های کوچک) کفش تعطیل هستند و با توجه به اوضاع اقتصادی کشور مواد اولیه در اختیار تولیدکنندگان قرار نمی‌گیرد.

اعتصاب رانندگان کامیون نمونه شورانگیزی از اعتصاب‌های سراسری است که در حرکتی متحد و قدرتمند به‌پیش می‌رود و در سطح وسیعی از همبستگی مبارزاتی را در جامعه شکل می‌دهد. از این اعتصاب و سایر اعتصاب‌های کارگری و اعتراض‌های مردمی فعالانه حمایت کنیم و برای گسترش اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها به‌تمام بخش‌ها و شهرهای سراسر جامعه بکوشیم. همچنین صدای آن‌ها را به‌گوش کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری و رسانه‌های جهانی برسانیم.

تلاش کنیم تا همه رانندگان، کارگران، زنان، فعالین زیست محیطی، آزادی‌زبان‌های مادری، معلمان و فعالین اهوازی که اخیراً دستگیر شده‌اند و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط و آزادی گردند!

زنده‌باد اتحاد و همبستگی کارگران و مردمان محروم سراسر ایران!

زنده‌باد اعتصاب سراسری کارگران و همه محرومان و آزادی‌خواهان!

زنده‌باد شوراهای کارگری، مجالس مردمی و شوراهای محلات!

زنده‌باد مبارزه خلق‌های ایران!

زنده‌باد خودمیدریتی دموکراتیک زنده‌باد سوسیالیسم!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
جمعه ششم مهر 1397 - بیست و هشتم سپتامبر 2018

آموزش رایگان و به زبان مادری حق مسلم همه کودکان است!

در آستانه بازگشایی مدارس در ایران، درد و رنج بسیاری از خانواده‌ها به اوج می‌رسد. چرا که آن‌ها توان مالی روانه کردن فرزندان خود به مدرسه را ندارند. در چنین وضعیتی، این کودکان در کوچه و خیابان با دیدن مدرسه رفتن کودکان هم سن و سال خود، که با شور و شوق و شادی راهی مدرسه هستند دچار ناراحتی و افسردگی می‌شوند. در حالی که آموزش رایگان حق طبیعی و مسلم همه کودکان و جوانان تا 18 سالگی است!

تعداد کودکان محروم از تحصیل، یکی از صدها آمار است که اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست. وزارت آموزش و پرورش رقمی می‌گوید؛ سازمان بهزیستی رقمی دیگر و نهادهای مردم‌نهاد و انجمنی‌ها نیز اطلاعات دیگری می‌دهند. احتمالاً همین اختلاف آمار، خود نشانه‌ای از آمارهای تکان‌دهنده است!

سایت رویداد24، 25 شهریور 1397 - 16 سپتامبر 2018، به نقل از سرپرست فعلی وزارت کار، نوشت: «رییس بهزیستی این آمار را در تهران آن‌هم تنها در سه ماه نخست امسال حدود 327 هزار کودک ذکر کرده بود و گفته بود این تعداد در خیابان‌ها شناسایی شده‌اند.» اگر آمار بهزیستی را مبنا بگیریم، و کودکان محروم از تحصیل در استان‌های دیگر در تخمینی خوش‌بینانه تنها یک‌سوم تهران محاسبه کنیم، با احتساب 31 استان، به رقمی

تخمینی 3 میلیون و 500 هزار کودک محروم از تحصیل خواهیم رسید. این منبع افزود: «در محاسبه‌ای دیگر البته وضع وخیم‌تر از این است: آن‌گونه که در آخرین سرشماری آمده است، جمعیت 7 تا 19 ساله کشور چیزی حدود 20 میلیون نفر هستند.» اگر این رقم را در کنار آخرین آمار 12 میلیون و 600 هزار دانش‌آموز ایرانی بگذاریم، به نتیجه هولناکی خواهیم رسید: 7 میلیون و 400 هزار کودک محروم از تحصیل!

با این‌همه وزارت آموزش و پرورش چه در دولت احمدی‌نژاد چه در دولت روحانی، محاسبه این‌چنینی را نپذیرفته است. آمار هر چه باشد، در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ آن‌هم در روزهای منتهی به باز شدن مدارس. در چند سال گذشته ترک تحصیل و کندن کودکان و نوجوانان از مدرسه در ابعادی وسیع ادامه دارد. فشار ادامه تحصیل نیز به‌مشکلات عدیده اقتصادی کارگران و محرومان جامعه افزوده است. تامین هزینه تحصیل کودکان و جوانان در خانواده‌های محروم، بیکار و مزدبگیر، بسیار فلات‌بار و دردناک است.

امسال در آستانه بازگشایی مدارس، شرایط اقتصادی نسبت به سال‌های گذشته به‌مراتب دشوارتر و سخت‌تر شده است. چرا که دلار از مرز ۱۵۰۰۰ تومان نیز گذشته به‌همین نسبت ارزش ریال به‌طور بی‌سابقه‌ای پایین آمده است.

در این میان، فشار دردآور افزایش قیمت خرید لوازم التحریر بیش از 60 درصد و فشارهای مضاعف بیش‌تر، پایین بودن قدرت خرید خانواده‌های محروم و کارگری تهدید و با ماندن کودکان آن‌ها از تحصیل است.

سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش، 19 شهریور 1379، از تحصیل بیش از 14 میلیون دانش‌آموز در مدارس در سال جدید خبر داد و افزود: «تاکنون 97 درصد دانش‌آموزان در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود در دو هفته باقی‌مانده، دانش‌آموزانی که موفق به ثبت‌نام نشده‌اند اقدام کنند.»

اما ابطحی، از این که چرا هر سال به‌آمار میلیونی کودکان بازمانده از تحصیل افزوده می‌شود؛ عدم ثبت نام کودکانی که یکی از والدین آن‌ها افغانی است؛ کسر بودجه آموزش و پرورش؛ عدم بازسازی مدارس نامن؛ گرانی وسایل و ابزارهای تحصیلی؛ شهریه بالا؛ پایین بودن حقوق معلمان، معلمان زندانی؛ عدم آزادی زبان‌های مادری و... سخنی نگفت. هر سال با نزدیک شدن به بازگشایی مدارس، تکاپو و استرس مردم برای خرید لوازم‌التحریر

لوازم‌التحریر بیش‌تر می‌شود، امسال اما با توجه به نوسان ارز و بالا رفتن بی‌سابقه قیمت دلار، عدم قدرت خرید مردم به‌ویژه برای مزدبگیران و محرومان پایین آمده و با صرفه‌جویی بیش‌تری نسبت به قبل همراه شده است. بسیاری از خانواده‌ها یا به دنبال تعاونی‌های ارزان قیمت هستند یا در تلاشند لوازمی که هنوز کارایی دارند را حفظ کرده و از خریدهای جدید اجتناب کنند.

در این روزها، نگرانی در چهره والدین کم درآمد موج می‌زند و نگاه‌های حسرت‌آمیز برخی کودکان و نوجوانان گویای این واقعیت تلخ است که در اثر فقر از رفتن به مدرسه باز مانده‌اند و با افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است.

گرانی 3 تا 4 برابری اجناس، نایاب شدن برخی اجناس مانند مازیک و آبرنگ و کمبود و... خانواده‌ها را برای تهیه این لوازم دچار سختی کرده است. فعالان این حوزه معتقدند چیزی به‌اسم تولید داخل وجود ندارد و نزدیک به 70 درصد این بازار وارداتی است و با گرانی دلار تغییرات زیادی کرده است و مابقی هم مونتاژ داخل است که مواد اولیه آن‌هم وابسته به‌خارج است که باز هم این بازار را با آسیب‌پذیری زیادی مواجه می‌کند. مواد اولیه آن‌ها از کشورهای دیگر وارد می‌شود که با گران شدن دلار تغییرات زیادی در قیمت آن صورت گرفت.

تولید داخلی نیز نزدیک به صفر است و تنها تولید محصولات پلاستیکی و تزریق مواد به‌فالب‌ها خلاصه فعالیت تولیدی ایران می‌شود. اما در باقی محصولات بسیاری از مواد آن‌ها از خارج تامین شده و در داخل کشور مونتاژ می‌شود؛ برای مثال در تولید خودکار، نوک و جوهر آن از کشورهای دیگر می‌آید و در ایران تنها لوله آن را ساخته و مونتاژ می‌کنند.

دو کشور اندونزی و چین که صادرات چوب مخصوص مداد را دارند تا چندی پیش واردات آن به‌مشکل



برخورده است. در ایران، مازیک تولید داخل نداریم و واردات مداد تراش هم که قبلاً انجام و مونتاژ می‌شد، چندماهی است با مشکل مواجه شده و همین مسائل به‌گرانی و نایاب شدن این کالاها در این بازار منجر شده است.

به‌این ترتیب، واقعه مهر ماه امسال با همه سال‌های دیگر فرق می‌کند؛ از چالش قیمت‌ها گرفته تا کمبود نوک خودکار، چوب مداد و کاغذ دفتر و غیره.

این روزها لوازم تحریر از 70 تا 100 درصد گران‌تر شده و مردم بر خلاف سال‌های گذشته، خرید لوازم با کیفیت را کنار گذاشته و فقط لوازم ضروری آن‌هم با کیفیت پایین را می‌خرند. در این میان، حتی سرعت گرانی لوازم تحریر داخلی به‌دلیل کمبود مواد اولیه به‌مراتب بیش‌تر از اجناس خارجی بوده است. اگر یک فروشنده سال گذشته مغازه‌اش را با 20 میلیون تومان پر از جنس می‌کرده اما امسال با این مبلغ فقط می‌تواند چند کارتن جنس بخرد و روزبه‌روز اوضاع وخیم‌تر هم می‌شود.

تا امروز هر خودکار خارجی 5 هزار تومان، پاک‌کن 4 هزار تومان، مداد نوکی حدود 35 هزار تومان و مداد رنگی‌های 36 رنگ هم 75 هزار تومان بوده است. اما اکنون قیمت یک خودکار معمولی از هزار تومان شروع می‌شود و تا هفت هزار تومان و ده هزار تومان هم می‌رسد. دفترچه‌های 40 برگ هم از 2 هزار شروع شده و تا 5 هزار تومان می‌رسند. دفترچه 60 برگ از حداقل 3 هزار تومان تا 6500 تومان قیمت دارد و دفترچه‌های 100 برگ به‌بالا هم بسته به‌طرح جلد و تولید کننده آن، قیمت‌هایش از 6 هزار تومان شروع می‌شود. از مداد و دفتر گذشته، کیف و لباس فرم هم معمولاً بالای 400 هزار تومان آب می‌خورد.

در چنین شرایطی و با وجود فشارهای اقتصادی و معیشتی و سرکوب‌های سیاسی، بی‌تردید در سال تحصیلی جدید، مطالبات والدین دانش‌آموزان، معلمان و دانش‌آموزان از جمله آموزش رایگان، آزادی زبان‌های مادری، تغییر کتاب‌های درسی که بین دختر و پسر تبعیض قائل است، آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه سانسور و اختناق، لغو اعدام، تامین زندگی همه کودکان کار و خیابان، با اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی مطرح خواهد شد. مهم‌تر از همه، در این شرایط حساس و بحرانی‌ترین جامعه ایران، اعتراضات به‌سرکوب و سانسور، زندان و اعدام، فقر و فلاکت اقتصادی و فرهنگی که در بطن جامعه جریان دارد به‌مدارس نیز کشیده خواهد شد!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران

بیست و نهم شهریور 1397 - بیستم سپتامبر 2018